

عربستان و معمای یمن

دکتر اصغر جعفری ولدانی - دانشیار دانشگاه علامه طباطبایی
سید محمد امین آبادی - دانشجوی دکتری روابط بین الملل

چکیده

عربستان در باتلاق جنگ یمن گرفتار شده و هرچه دست و پا می‌زند بیشتر در آن فرو می‌رود. جنگ زمینی شکست خورده، «منصور هادی» رییس جمهوری مستعفی بازنگشته، و «حوثی‌ها» نیز از میان نرفته‌اند. جنگ هوایی، همچنان بی‌دست‌آورد ملموس میدانی ادامه دارد. حمایت‌های آمریکا تاکنون ثمری نداشته و انتقادهای سازمانهای جهانی حقوق بشری از عربستان نیز به علت کشتار غیرنظامیان در یمن هر روز بیشتر و بیشتر می‌شود. ریاض اگر جنگ یمن را با این وضع پایان دهد، اعتبار و حیثیتش بیشتر خدشه‌دار خواهد شد. از سوی دیگر، تن دادن به راه‌حل سیاسی نیز بدون پذیرش جنبش انصارالله بعنوان بازیگر کلیدی و سهم در خور دادن به آن در تقسیم قدرت ممکن نیست. به نظر می‌رسد تنها پیروزی عربستان در جنگ یمن، گرفتن شهر استراتژیک عدن در نزدیکی تنگه باب‌المندب باشد که ادامه یافتن تسلط بر این شهر نیز به این دلیل که منصور هادی در جنوب یمن پایگاه مردمی ندارد، قدرت گرفتن دوباره القاعده و همچنین وجود اختلافهای گسترده میان گروههای سیاسی در جنوب یمن، محل تردید است. بدین سان یمن به معمایی تبدیل شده است که حل آن برای دولتمردان عربستان هر روز دشوارتر می‌شود.

در بامداد پنج‌شنبه ششم فروردین ۹۴، سفیر عربستان در آمریکا از آغاز عملیات «توفان قاطع» برای حمله نظامی به یمن خبر داد. گرچه آغاز این عملیات با سروصدای گسترده رسانه‌ای همراه بود، ولی هر چه زمان گذشت، تحلیلگران نسبت به موفقیت این عملیات بیشتر ابراز تردید کردند. حال بیش از دو سال از حمله عربستان به یمن می‌گذرد. در این مدت هزاران زن و کودک و پیر و جوان در یمن بر اثر بمبارانهای ائتلاف سعودی کشته و زخمی شده‌اند، قحطی و گرسنگی جان میلیونها یمنی را تهدید می‌کند و در هر ۱۰ دقیقه یک کودک یمنی می‌میرد. (Aljazeera, 13 December, 2016) عفو بین‌الملل از وقوع جنایت جنگی در یمن خیر می‌دهد؛ سازمانهای حقوق بشری عربستان را به کاربرد بمبهای خوشه‌ای، فسفوری و ممنوع در یمن متهم کرده‌اند؛ ائتلاف سعودی همه زیرساختهای یمن را نابود کرده است؛ مدارس، بیمارستانها، کارخانه‌ها همه نابود شده‌اند؛ در برابر ارتش و گروه انصارالله بارها شهرهای سه استان نجران، جیزان و عسیر را هدف حمله‌های موشکی قرار داده‌اند؛ عربستان به علت ناتوانی از دستیابی به هدفهای خود به مذاکره تن داده، چند بار آتش بس برقرار شده و نقض شده است، با این همه، چشم‌انداز روشنی برای پایان جنگ چنان‌که عربستان در نظر داشته متصور نیست.

«هانس جی مورگنتا» از نظریه پردازان رئالیسم سنتی در کتاب «سیاست بین‌ملتها» می‌گوید: «دولتها هرگز نباید خود را در وضعی گرفتار کنند که عقب‌نشینی از آن به منزله از دست رفتن اعتبار و حیثیت آنها تلقی شود.» شاید اگر مورگنتا زنده بود، عربستان را مهمترین مصداق این هشدار خود معرفی می‌کرد. حمله نظامی عربستان به یمن، ریاض را در وضعی گرفتار کرده که شکست در آن، از دست رفتن اعتبار و حیثیت عربستان در سطح منطقه و جهان دانسته می‌شود. از سوی دیگر، عربستان گرفتار وضع دیگری نیز شده است که در نظریه رئالیستی

روابط بین‌الملل از آن با عنوان «معمای امنیت» یاد می‌شود. معمای امنیت در پژوهشها در زمینه امنیت، معانی گوناگون و نزدیک به هم دارد. یکی از تعریفهای آن این است که دولت برای حفظ و افزایش ضریب امنیتی خود دست به کارهایی می‌زند که همین کارها امنیتش را بیشتر به خطر می‌اندازد و باز آن دولت می‌کوشد اقدامات دیگری انجام دهد و این چرخه معیوب ادامه می‌یابد. یکی از بهانه‌های عربستان برای حمله به یمن، تأمین امنیت مرزهای جنوبی خود با یمن بود ولی این حمله نه تنها امنیتی برای مرزهای جنوبی آن به بار نیاورده، بلکه بارها استانهای مرزی عربستان هدف حمله گروه انصارالله و قبایل یمنی هوادار این گروه قرار گرفته است. پس از گذشت دو سال از حمله نظامی عربستان به یمن، فرصت مناسبی است تا ارزیابی دقیقی از این جنگ صورت گیرد. در این نوشتار کوشیده‌ایم به پرسشهای زیر پاسخ دهیم:

۱. آیا حمله عربستان به یمن از منظر حقوق بین‌الملل مشروع است؟

۲. هدفهای اعلام شده عربستان در حمله به یمن چه بوده و در عمل چه راهی پیموده شده است؟

۳. هدف اصلی عربستان از حمله به یمن چه بوده و آیا به این هدف رسیده است یا نه؟

۴. نقش آمریکا در جنگ یمن چیست؟

۵. علل و پیامدهای شکست عربستان در جنگ یمن چیست؟

حقوق بین‌الملل و جنگ یمن

شوربختانه مناسبات بین‌المللی هیچ‌گاه با حقوق، هنجارها و قواعد آمره بین‌المللی همخوان نبوده است. این نکته به روشنی در جنگ یمن به چشم می‌آید. در حمله عربستان به یمن نه تنها اصول مصرح حقوق بین‌الملل آشکارا نقض شده است، حتی شورای امنیت سازمان ملل نیز در سایه ملاحظات سیاسی پنج عضو دائم شورا نتوانسته به وظیفه خود عمل کند و تنها با صدور قطعنامه ۲۲۱۶ با ۱۴ رأی مثبت و رأی ممتنع روسیه نشان داده است که علاقه‌ای به حل و فصل مسالمت‌آمیز این بحران ندارد. زیرا در این قطعنامه شورای امنیت به جای محکوم کردن تجاوز نظامی به یک کشور مستقل و دارای حاکمیت، از آن پشتیبانی کرد و در برابر، گروه انصارالله را که در حال دفاع از کشور در مقابل تجاوز نظامی بود محکوم کرد و مورد تحریمهای چند جانبه قرار داد. در این قطعنامه که بر پایه فصل هفتم منشور صادر شده بود هیچ اشاره‌ای به حمله نظامی عربستان به یمن نشده بود ولی از حوثی‌ها خواسته شده بود کاربرد زور را متوقف کنند (Security Council, 14 April, 2015) بهانه عربستان در حمله

به یمن درخواست «عبدربه منصور هادی» بود که شورای امنیت نیز در همین قطعنامه ۲۲۱۶ کوشید به آن مشروعیت ببخشد. در مقدمه قطعنامه، شورای امنیت به نامه‌ای که ۲۴ مارس ۲۰۱۵ (۴ فروردین ۹۳) از سوی منصور هادی خطاب به رییس این شورا نوشته شده، استناد و تأکید کرده است که: «دخالت نظامی بر پایه یک درخواست قانونی صورت گرفته است.» (Security Council, 14 April, 2015) درخواست منصور هادی و مبنا قرار دادن این درخواست برای مشروع‌سازی حمله نظامی عربستان به یمن درحالی است که از یک سو دعوت از بیگانگان برای سرکوب نظامی ملت نه تنها وجاهت قانونی ندارد، بلکه فرد درخواست کننده یعنی منصور هادی نیز در زمان درخواست جایگاه قانونی نداشته است. منصور هادی در ۲۲ ژانویه ۲۰۱۵ (دوم بهمن ۹۳)، بیش از دو ماه پیش از درخواست از شورای امنیت، از مقام خود بطور رسمی کناره‌گیری کرده بود و از این‌رو استناد شورای امنیت به نامه او موجه نبوده است. استعفای او نیز مستند به ماده ۱۱۴ قانون اساسی جمهوری یمن بود که از موارد پایان یافتن دوره ریاست جمهوری در آن کشور تلقی می‌شود. (دستور الجمهوریه الیمنیه، ماده ۱۱۴)

منصور هادی نخست استعفا کرد، سپس به «عدن» گریخت و اعلام کرد که آنجا پایتخت قانونی یمن است، از آنجا نیز به عربستان گریخت و بار دیگر خود را رئیس‌جمهوری یمن اعلام کرد. این فرایند با هیچ قاعده حقوقی توجیه‌پذیر نیست. بدین‌سان رئیس‌جمهور مستعفی یمن در آن هنگام تنها یک شهروند عادی یمنی و بی‌بهره از جایگاه حقوقی شناخته می‌شده و شورای امنیت نیز نمی‌توانسته است در فرایند قانونی انتقال قدرت در یک کشور دخالت کند. به سخن دیگر، شورای امنیت صلاحیت تعیین رئیس‌جمهوری برای یک کشور مستقل را ندارد. انتخاب رئیس‌جمهوری براساس ماده ۱۰۵ قانون اساسی یمن نیز باید براساس قانون اساسی انجام گیرد نه به دست شورای امنیت سازمان ملل. لذا درخواست منصور هادی، حمله عربستان به یمن را مشروع نمی‌سازد. گذشته از آن، براساس قوانین حقوق بشر و نیز حقوق بشردوستانه بین‌المللی، منصور هادی نمی‌توانسته از کشور دیگری درخواست کند تا به شهروندان غیرنظامی یمن حمله کند و این خلاف قواعد آمره بین‌المللی است. تجاوز و حمله به مکانهای غیرنظامی، غیرنظامیان، مراکز درمانی و جلوگیری از کمکهای بشردوستانه، از مواردیست که نامشروع بودن درخواست منصور هادی را آشکار می‌سازد. (اسماعیل تهمورثی، ۱۳۹۴)

چنان‌که گفته شد حتی اگر منصور هادی را رئیس‌جمهوری واقعی یمن هم بدانیم که در زمان نوشتن نامه استعفا نکرده بوده است، باز نمی‌توان به

● «هانس جی مورگنتا» از نظریه‌پردازان رئالیسم سنتی می‌گوید: «دولت‌ها هرگز نباید خود را در وضعی گرفتار کنند که عقب‌نشینی از آن به منزله از دست رفتن اعتبار و حیثیت آنها تلقی شود.» شاید اگر مورگنتا زنده بود، عربستان را مهمترین مصداق این هشدار خود معرفی می‌کرد.

استناد درخواست رئیس‌جمهوری مشروع و قانونی یک کشور، با توسل به زور یک ملت را از حق تعیین سرنوشت خود که از قواعد آمره حقوق بین‌الملل است محروم کرد.

کاربرد زور در همه اشکال آن، از مواردی است که در حقوق بین‌الملل ممنوع است. اصل منع توسل به زور قاعده آمره‌ایست که دولت‌ها را موظف می‌کند از تجاوز و کاربرد نیروی نظامی بعنوان نماد اصلی توسل به زور در برابر دولت و کشور دیگر پرهیز کنند، مگر در دو مورد: یکی دفاع مشروع بر اساس ماده ۵۱ منشور، آنهم در صورت وقوع حمله مسلحانه و به شرط ضرورت و با رعایت اصل تناسب؛ و دیگر استثنا بر اصل منع توسل به زور، عملیات نظامی بین‌المللی است. برپایه ماده ۴۲ منشور، چنانچه شورای امنیت تشخیص دهد که اقدامات پیش‌بینی شده در ماده ۴۱ منشور (مجازات‌های دیپلماتیک و اقتصادی) کافی نبوده یا ثابت شود که کافی نیست، می‌تواند وارد مرحله اقدامات قهری یا استفاده از زور شود و با نیروهای هوایی، دریایی و زمینی عملیاتی را که برای حفظ یا اعاده صلح و امنیت بین‌المللی لازم می‌داند انجام دهد.» (Charter of the United Nations, Article 41,42,51)

اما حمله عربستان و دیگر کشورهای عربی به یمن، به دلایل یادشده در بالا نبوده است. به سخن دیگر، عربستان نه در مقام دفاع مشروع بوده است (زیرا حمله‌ای نظامی به آن کشور صورت نگرفته بوده)، نه اقدامش با مجوز شورای امنیت بوده است. به عبارت بهتر، حمله عربستان تحت شمول قاعده آمره بین‌المللی یعنی اصل منع توسل به زور، اقدامی نامشروع و تجاوز به کشور مستقل یمن است و تهدیدی جدی نسبت به صلح و امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی به‌شمار می‌رود. (اسماعیل تهمورثی، ۱۳۹۴)

● عربستان گرفتار وضع دیگری نیز شده است که در نظریه رئالیستی روابط بین‌الملل از آن با عنوان «معمای امنیت» یاد می‌شود. معمای امنیت در پژوهشها در زمینه امنیت، معانی گوناگون و نزدیک به هم دارد. یکی از تعریفهای آن این است که دولت برای حفظ و افزایش ضریب امنیتی خود دست به کارهایی می‌زند که همین کارها امنیتش را بیشتر به خطر می‌اندازد و باز آن دولت می‌کوشد اقدامات دیگری انجام دهد و این چرخه معیوب ادامه می‌یابد.

آن سوی پردهٔ حمله عربستان به یمن

جدا از آنچه عربستان دربارهٔ حمله به یمن می‌گوید، بسیاری از تحلیلگران به بررسی هدفهای واقعی عربستان از این لشکرکشی پرداخته‌اند که فشردهٔ یافته‌هایشان چنین است:

۱. عربستان در کنار آمریکا، بر آن بوده است که مانع ایجاد جایگاه استراتژیک برای ایران، روسیه، چین و... در یمن به منظور نظارت بر خلیج عدن و استقرار در تنگه باب‌المندب شود. (Global Research, March 29, 2015)

۲. عملیات نظامی عربستان در یمن برای ایجاد ثبات در آن کشور نیست، بلکه عملیاتی است برای بازگرداندن غرور فرسوده شدهٔ سعودیها در برابر نفوذ رو به گسترش ایران در منطقه به آنها. (Washington Post, November 13, 2015)

۳. عربستان از یک سو در پرتو سامان یافتن پرونده هسته‌ای ایران، شاهد افزایش بازیگری تهران در منطقه است و از سوی دیگر می‌بیند که آمریکا با پاسیفیک‌گرایی، حضور و پویایی چشمگیر گذشته در منطقه را ندارد. بدین‌سان، سعودیها در پی پر کردن این خلأ با اجرای سیاست خارجی تهاجمی و ماجراجویانه‌اند و یمن را جای خوبی برای پیاده کردن

جرایم عربستان در یمن مانند حمله به غیر نظامیان و کشتار هزاران زن و کودک و پیر و جوان، حمله به مناطق مسکونی، کارخانه‌های مواد خوراکی، مدارس، به بیمارستانها و مراکز آموزشی، بهداشتی و خدماتی، نابود کردن زیرساختهای غیرنظامی یمن، جلوگیری از رسیدن کمکهای بشردوستانه صلیب سرخ جهانی به قربانیان، اعمال محاصرهٔ سخت و جلوگیری از رسیدن مواد خوراکی به کشور که موجب قحطی شدید شده، کاربرد بمبهای خوشه‌ای، فسفری و... در جنگ، تنها بخشی از این موارد است که برای تک‌تک آنها شواهد و مدارک معتبر بین‌المللی وجود دارد و گواهی است آشکار بر ارتکاب جنایات جنگی، نقض فاحش کنوانسیونهای چهارگانه ژنو و نقض حقوق بشردوستانه بین‌المللی از سوی دولت عربستان. سازمان ملل نیز در این زمینه بارها دربارهٔ جنایات جنگی عربستان در یمن هشدار داده است. (Reuters, Jan 29, 2017)

هدفهای اعلام شده و هدفهای واقعی عربستان از حمله به یمن

بهبانهای دولتمردان عربستان در توجیه حمله نیروهای کشورشان به یمن، چنین بوده است:

۱. این حمله به درخواست «عبدربه منصور هادی» رئیس‌جمهوری قانونی یمن و برای بازگرداندن دولت مشروع وی بر سر کار انجام گرفته است.

۲. هدف، رها کردن مردمان یمن از دست گروه انصارالله است.

۳. هدف از حمله، تأمین ثبات و امنیت در مرزهای جنوبی عربستان بوده که از سوی انصارالله به مخاطره افتاده است. (Al Arabiya News, 26 March, 2015)

۴. یمن به اشغال نظامی ایران درآمده!! و ائتلاف تحت رهبری عربستان ناگزیر از مداخله نظامی شده است. (سیدحسین نصرالله، ۱۳۹۴)

سیاست تازه خود انگاشته‌اند.

۴. «شیرین هانتر»، استاد دانشگاه جورج تاون آمریکا، آمیزه‌ای از ترس، خشم و جاه‌طلبی را از علل حمله عربستان به یمن می‌داند. هانتر می‌گوید سعودیها نسبت به هر دولتی در یمن که زیر کنترل آنها نباشد، بدگمانند، بویژه اگر قرار باشد شیعیان نیز در آن نقشی بازی کنند. ترس آنها از این است که مبادا دست یافتن شیعیان یمن به چنین توفیقی منجر به آن شود که جمعیت شیعه عربستان نیز سهم سیاسی بیشتری مطالبه کنند. گذشته از آن، سعودیها همواره نسبت به ایران و نقش آن در منطقه بدگمان بوده‌اند و در حال حاضر فکر می‌کنند که پررنگتر شدن نقش شیعیان در دولت یمن، بر دامنه نفوذ ایران در یمن می‌افزاید (خبرگزاری مهر، ۱۵ فروردین ۱۳۹۴)

۵. شیرین هانتر دلیل دیگری نیز برای حمله عربستان به یمن ذکر می‌کند: دولت پادشاهی عربستان همواره توسعه‌طلب بوده و با قرار دادن خود در جایگاه رهبری اعراب جهان خواهان کنترل خلیج فارس و دریای سرخ است که این بخش از سیاست عربستان به سالهای دهه ۱۹۷۰ بازمی‌گردد. کنترل دریای سرخ نیز بدون سلطه یافتن بر یمن امکانپذیر نیست. (همان)

۶. برخی از تحلیلگران حمله عربستان به یمن

را به رقابت ایران و عربستان و جنگهای نیابتی این دو مرتبط می‌دانند و برآنند که عربستان در بحرانهای سوریه، عراق و لبنان تاکنون در برابر ایران شکست خورده است و اکنون دست برتر انصارالله در یمن را نیز شکست دیگری برای خود می‌داند که حتی از شکست در سه حوزه دیگر بدتر است. از این دیدگاه، یمن ابزاری سیاسی در دست عربستان است تا بتواند در جاهای دیگر مانند عراق و سوریه با ایران معامله کند (National Interest, August 25, 2016)

۷. شماری از تحلیلگران نیز دگرگونیهایی در دربار سعودی را علت اصلی حمله عربستان به یمن می‌دانند. از این دیدگاه، جناح تازه به قدرت رسیده در عربستان می‌خواسته است از جنگ یمن و پیروزی در آن برای تثبیت جایگاه خود و کنار زدن شاهزادگان مدعی بهره‌گیرد. از دید ملک‌سلیمان، اگر فرزندش محمد بن سلمان - وزیر دفاع و جانشین ولیعهد - بتواند در جنگ یمن پیروز و بعنوان یک جنگاور معرفی شود، می‌تواند وجهه خود را در میان آل سعود و شهروندان عربستان بهتر کند و «محمد بن نایف» ولیعهد را کنار زند و انتقال سیاسی در عربستان به آرامی انجام گیرد. (Michael Jansen, 11 April 2015)

تجزیه یمن، هدف اصلی عربستان

در بیشتر تحلیلها درباره هدفهای عربستان از دست زدن به جنگ در یمن، یک نکته کلیدی نهفته است و آن اینکه دولتمردان عربستان و جناح تازه به قدرت رسیده، درحالی که آمریکا توجه خود را برای مهار کردن قدرت روزافزون چین، بر آسیای خاوری متمرکز کرده و مدیریت اوضاع در منطقه خاورمیانه را به همپیمانان خود مانند عربستان سپرده است، برای کنار گذاشتن ایران از همه معادلات برنامه‌ریزی کرده‌اند. برپایه این تحلیل، ایران در چهار پایتخت اصلی منطقه

● شوربختانه مناسبات بین‌المللی هیچ‌گاه با حقوق، هنجارها و قواعد آمره بین‌المللی همخوان نبوده است. این نکته به روشنی در جنگ یمن به چشم می‌آید. در حمله عربستان به یمن نه تنها اصول مصرح حقوق بین‌الملل آشکارا نقض شده است، حتی شورای امنیت سازمان ملل نیز در سایه ملاحظات سیاسی پنج عضو دائم شورا نتوانسته به وظیفه خود عمل کند و نشان داده است که علاقه‌ای به حل و فصل مسالمت‌آمیز این بحران ندارد.

● عربستان نه در مقام دفاع مشروع بوده است (زیرا حمله‌ای نظامی به آن کشور صورت نگرفته بوده)، نه اقدامش با مجوز شورای امنیت بوده است. به عبارت بهتر، حمله عربستان تحت شمول قاعده آمره بین‌المللی یعنی اصل منع توسل به زور، اقدامی نامشروع و تجاوز به کشور مستقل یمن است و تهدیدی جدی نسبت به صلح و امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی به‌شمار می‌رود.

یمن یا بخشهایی از آن بوده است. طرح تسلط بر استان «حضرموت» در کنار دریای عرب و اقیانوس هند، طرح تسلط بر باب‌المنذب و اشغال جزایر «دئوه‌وراپ» در سال ۱۹۹۸ و جزیره یمنی «الدویمه» در دریای سرخ، تصرف سه استان یمنی «نجران»، «جیزان» و «عسیر» در سال ۱۹۲۶، طرح «ملک‌فیصل» برای تسلط بر کشور یمن در دهه ۷۰ میلادی، کارشکنی عربستان در راه یکپارچگی یمن و پشتیبانی از تجزیه و استقلال جنوب یمن و ارائه طرحی به شورای امنیت برای پذیرش استقلال جنوب یمن و تجاوز نظامی به یمن در سال ۲۰۰۹، همه در راستای تسلط بر یمن یا تجزیه آن کشور بوده است. پیامد این سیاست ویرانگر، تبدیل شدن یمن به یک دولت ورشکسته و ضعیف و مستعد مداخله خارجی بوده است. (همان)

به نظر می‌رسد عربستان در سالهای اخیر به این نتیجه رسیده که تسلط بر سراسر یمن لقمه‌ای گلوگیر است. از این‌رو راهبرد خود را بر پایه تجزیه یمن در گام نخست و تسلط بر شهر عدن، خلیج عدن و باب‌المنذب در گام دوم گذاشته است. حمله نظامی سال ۲۰۱۴ به یمن هم برای رسیدن به همین هدف بوده است. مجله آمریکایی فارین پالیسی در گزارشی، ضمن بررسی تحولات یمن و با اشاره به هدف اصلی عربستان می‌نویسد: «تنها راه پایان یافتن جنگ یمن و نابودی القاعده در آن کشور، انحلال دولت و ساختارهای حکومتی آن کشور است

یعنی بیروت، دمشق، بغداد و صنعا دست بالا را دارد و از همین‌رو باید هرچه زودتر اقدامی صورت گیرد تا از گسترش بیشتر نفوذ ایران جلوگیری شود. جنگ یمن نیز از این دیدگاه، جنگ نیابتی میان ایران و عربستان دانسته می‌شود. «نشنال اینترست» در یادداشتی در این زمینه نوشته است: «درحالی که مهمترین نگرانی سیاست خارجی برای عربستان ایران است، عربستان حتی در فهرست نگرانیهای مهم ایران جایی ندارد؛ ایران به عربستان بی‌اعتناست. اهمیت استراتژیک یمن برای تهران کم است اما اهمیت بالای یمن برای عربستان سبب می‌شود که جنگ یمن به روشی کم هزینه برای فرو کردن انگشت در چشمان ریاض تبدیل شود.» (National Interest, 18 October, 2016)

اما به جرأت می‌توان گفت که در بیشتر مقاله‌ها و گزارشهای منتشر شده درباره جنگ یمن در این دو سال و ارزیابیهای صورت گرفته، یکی از نگرانیهای اصلی عربستان، یعنی معضل ژئوپلیتیکی آن کشور نادیده گرفته شده است. عربستان دچار یک تنگنای ژئوپلیتیکی است که یمن می‌تواند آنرا از میان ببرد. عربستان از یک سو با خلیج فارس و از سوی دیگر با دریای سرخ مرتبط است، اما استفاده از این آبراهها مستلزم گذشتن از تنگه هرمز و باب‌المنذب است. از آن‌رو که ایران بر تنگه هرمز اشراف دارد و یمن بر باب‌المنذب، عربستان همواره از آسیب‌پذیری خود نگران بوده است. تسلط انصارالله (گروه شیعی هوادار ایران) بر باب‌المنذب موجب می‌شد که این دو تنگه استراتژیک که رگ حیات عربستان وابسته به آن است و بیشترین حجم نفت عربستان از این دو تنگه صادر می‌شود، در اختیار ایران قرار گیرد و این همان مسئله‌ای است که عربستان همواره از آن هراسان بوده است. (ولدانی، ۱۳۸۸: ۴۳-۴۱)

با توجه به این معضل ژئوپلیتیکی، عربستان در چند دهه گذشته همواره در پی چنگ‌اندازی بر سراسر

به مرکزیت عدن، اقلیم الجند به مرکزیت تعز، اقلیم ازال به مرکزیت صنعا و اقلیم تهامه به مرکزیت حدیده. از این شش اقلیم، حضرموت و عدن در جنوب و سبا، الجند، ازال و تهامه در شمال هستند. انصارالله اعلام کرد که با این طرح موافقت نخواهد کرد. برپایه این طرح، همه ساکنان یمن از حق خودمختاری و دسترسی به تنگه راهبردی باب‌المنذب برخوردار می‌شدند، درحالی که انصارالله هیچ حقی در این تقسیم‌بندی نداشت. (عمادی، ۱۳۹۴)

هدف عربستان این بود که در گام نخست یمن را به چند اقلیم خودمختار تقسیم کند و در گام دوم مناطقی را که می‌توانند معضل ژئوپلیتیکی آنرا در جنوب یمن حل کنند به اشغال یا زیر سلطه خود درآورد. با مخالفت انصارالله، ریاض مرحله بعدی نقشه خود را که همان تجزیه جنوب بود پیگیری کرد. در اجرای این نقشه بود که «منصور هادی» رئیس‌جمهوری مستعفی یمن که از صنعا به عدن گریخته بود، در هفتم مارس ۲۰۱۵، این شهر را بعنوان پایتخت موقت یمن معرفی کرد و آمریکا، فرانسه، ترکیه و دیگر همپیمانان آنها در اروپا نیز در اقدامی مشترک سفارتخانه‌های خود در صنعا را بستند و به‌دنبال آن عربستان، کویت، بحرین، قطر و امارات عربی متحده نیز سفارت‌های خود را از صنعا به عدن منتقل کردند. منصور هادی، نامه استعفاي خود را ابطال و اعلام کرد که حکومتی در تبعید تشکیل داده است. اما افتادن عدن به‌دست انصارالله در ۲۵ مارس موجب شد این نقشه نیز عملی نشود. منصور هادی این بار از عدن به عربستان گریخت. کنترل انصارالله بر شهر جنوبی و راهبردی عدن موجب شد که عربستان که نتوانسته بود به‌دست خود یمنی‌ها خاک یمن را تجزیه کند، به مداخله گسترده نظامی روی آورد و یک روز پس از افتادن عدن به‌دست انصارالله، عربستان منصور هادی را رئیس‌جمهوری مشروع یمن اعلام و از روز ۲۶ مارس به بهانه بازگرداندن مشروعیت به

و همه طرف‌های درگیر باید به نصیحت ملک عبدالعزیز، بنیانگذار عربستان پیش از مرگش در سال ۱۹۵۳ میلادی برسند که گفته بود: «اجازه ندهید یمن متحد شود.» استراتژی آمریکا سرانجام می‌تواند به تقسیم شدن قدرت در یمن بینجامد. جدایی طلبان جنوب این را می‌خواهند و منصور هادی نیز این راهکار را ترجیح می‌دهد. امارات نیز این گزینه را می‌پسندد. بدین‌سان، یمن همان مشکلی است که تنها پس از تجزیه آن حل خواهد شد.» (Foreign Policy, October 20, 2016)

عربستان، پیش از حمله به یمن، طرح فدرالی شدن یمن را نیز از راه شورای همکاری خلیج فارس پیشنهاد کرده بود که در واقع نسخه دیگری از طرح تجزیه بود. فدرالی شدن یمن، برونداد اصلی کنفرانس گفتگوی ملی یمن در اوایل ۲۰۱۴ میلادی بود که تقسیم این کشور به شش بخش فدرال را پیشنهاد کرده بود. این شش منطقه عبارت بود از: اقلیم حضرموت به مرکزیت المکلا، اقلیم سبا به مرکزیت سبا، اقلیم عدن

● جرایم عربستان در یمن مانند حمله به غیر نظامیان و کشتار هزاران زن و کودک و پیر و جوان، حمله به مناطق مسکونی، کارخانه‌های مواد غذایی، مدارس، بیمارستانها و مراکز آموزشی، بهداشتی و خدماتی، نابود کردن زیرساختهای غیرنظامی یمن، جلوگیری از رسیدن کمکهای بشردوستانه صلیب سرخ جهانی به قربانیان، اعمال محاصره سخت و جلوگیری از رسیدن مواد غذایی به کشور که موجب قحطی شدید شده، کاربرد بمبهای خوشه‌ای، فسفوری و... در جنگ، تنها بخشی از این موارد است که برای تک‌تک آنها شواهد و مدارک معتبر بین‌المللی وجود دارد و گواهی است آشکار بر ارتکاب جنایات جنگی، نقض فاحش کنوانسیونهای چهارگانه ژنو و نقض حقوق بشردوستانه بین‌المللی از سوی دولت عربستان.

یمن، عملیات نظامی خود را آغاز کرد.

عربستان همه توان نظامی خود را به کار گرفت تا شهر استراتژیک عدن را از دست نیروهای انصارالله بگیرد و دولت منصور هادی را در آنجا مستقر کند. در یک سال اخیر، منصور هادی و نخست‌وزیرش در سفرهایی نمایشی چند بار از ریاض به عدن رفته‌اند اما به علت ناامنی نتوانسته‌اند در آن شهر بمانند.

مشکلی که عربستان در جنوب یمن با آن روبه‌روست، این است که از یک سو منصور هادی در میان اکثریت یمنی‌ها اعتباری ندارد (The Economist, 4 April, 2015) و از سوی دیگر جنوب یمن دربرگیرنده گروه‌های گوناگونی است، از تجزیه‌طلب و فدرالیست گرفته تا هوادار یکپارچگی و حکومت مرکزی. بی‌اعتباری منصور هادی در جنوب نیز باعث شده است وی نتواند مردمان را بسیج کند. از سوی دیگر، گروه‌های تجزیه‌طلب و فدرالیست نیز بر خلاف گروه منصور هادی انگیزه خاصی برای حرکت به سمت صنعا و به‌دست گرفتن پایتخت ندارند. اما می‌توان گفت در جنوب یمن و بویژه در شهر عدن آنچه در عمل رخ داده، این است که عربستان توانسته است این شهر را از شمال جدا سازد و هواداران خود را در آنجا مستقر کند. از این دیدگاه می‌توان گفت که عربستان تا کنون به یکی از هدف‌های اصلی خود که تسلط بر خلیج عدن و شهر استراتژیک عدن و باب‌المندب بوده رسیده است.

نقش آمریکا در جنگ یمن

از آغاز حمله نظامی عربستان به یمن، ریاض می‌کوشید آنرا اقدامی مستقل از آمریکا نشان دهد که با هدف بازگرداندن دولت منصور هادی به قدرت و نجات یمن از دست گروه انصارالله انجام گرفته است. برخی رسانه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی نیز مدعی بودند که عربستان تصمیم حمله نظامی به یمن را بی‌مشورت

● «شیرین هانتر»، استاد دانشگاه جورج تاون، آمیزه‌ای از ترس، خشم و جاه‌طلبی را از علل حمله عربستان به یمن می‌داند. هانتر می‌گوید سعودیها نسبت به هر دولتی در یمن که زیر کنترل آنها نباشد، بدگمانند، بویژه اگر قرار باشد شیعیان نیز در آن نقشی بازی کنند. ترس آنها از این است که مبادا دست یافتن شیعیان یمن به چنین توفیقی منجر به آن شود که جمعیت شیعه عربستان نیز سهم سیاسی بیشتری مطالبه کنند. گذشته از آن، سعودیها همواره نسبت به ایران و نقش آن در منطقه بدگمان بوده‌اند و درحال حاضر فکر می‌کنند که پررنگتر شدن نقش شیعیان در دولت یمن، بر دامنه نفوذ ایران در یمن می‌افزاید.

و هماهنگی با واشنگتن گرفته و دولت آمریکا تا آخرین لحظه از این حمله خبر نداشته است.

آنها در استدلال خود بر آموزه اوباما انگشت می‌گذاشتند که در کالج نظامی «وست پوینت» گفته بود: «نخست، آمریکاییان از آغاز شدن هرگونه جنگ تازه بیزارند؛ دوم، ضعف و خستگی مفرط ارتش آمریکا اجازه نمی‌دهد که ما به سادگی بتوانیم جنگی تازه را آغاز کنیم؛ سوم، مشکلات جدی اقتصادی مانع این امر می‌گردد؛ و چهارم اینکه ماهیت تهدیدهای تازه دگرگون شده است». پس آمریکا نمی‌توانسته به جنگی تازه در منطقه وارد شود و به گفته اوباما «مشکلات منطقه‌ای می‌باید به بازیگران منطقه‌ای متحد آمریکا سپرده شود.» (Foreign Policy, May 28, 2014)

اما واقعیت و گزارش اندیشکده‌ها و مراکز مطالعاتی غرب، خلاف ادعای عربستان را نشان می‌دهد و گویای حضور و مشارکت جدی آمریکا در جنگ یمن است. به چند نمونه از این اسناد که از سوی منابع غربی منتشر شده است اشاره می‌شود.

حمله به یمن با چراغ سبز جناح غربی شورای امنیت و دو روز پس از پایان سفر «فیلیپ هامون»

وزیر امور خارجه وقت انگلیس به ریاض آغاز شد. وی آخرین مقام غربی بود که با مسئولان سعودی پیش از حمله به یمن دیدار کرده بود. مقامات آمریکایی نیز اعلام کردند که واشنگتن در جریان این حمله بوده و با عربستان همکاری اطلاعاتی و لجستیکی داشته است. باراک اوباما، رییس جمهوری آمریکا هم در یک تماس تلفنی با شاه عربستان، از حمله هوایی به یمن پشتیبانی کرده بود.

«مجتهد» شاهزاده ناراضی سعودی که به علت افشای اسرار پشت پرده آل سعود به شهرت رسیده است می‌نویسد: «برخی گفته‌اند که این حمله بی‌اجازه آمریکا صورت گرفته است. این گفته نه تنها نادرست است، که یکسره با واقعیت مغایرت دارد. واقعیت این است که آمادگی برای حمله به یمن از یک ماه پیش و پس از دسترسی سازمان اطلاعات آمریکا به اطلاعاتی مبنی بر اینکه حوثی‌ها (انصارالله) به عدن خواهند رفت، آغاز شد. آمریکا با فراهم کردن یک بانک اطلاعاتی از مواضع، برنامه‌ریزی خطوط پرواز، تصاویر ماهواره‌های ثابت و زنده، این عملیات را هدایت و پیگیری کرده است. تصمیم بر این بوده که

حمله تنها در صورت تکمیل آمادگیهای زمینی انجام گیرد، اما رسیدن حوثی‌ها به عدن، آمریکا و عربستان را به اجرای عملیات پیش از تکمیل آمادگیهای زمینی واداشت.» (العالم، ۱۱ فروردین ۹۴)

«نیویورک تایمز» نیز در گزارشی درباره چگونگی دخالت آمریکا در جنگ یمن نوشت: «حمایت بی‌سروصدای آمریکاییان از عربستان، آنها را در جنگی بی‌سرانجام گرفتار کرده است. عادل الجبیر وزیر امور خارجه عربستان، پیش از آغاز حمله نیروهای آن کشور به یمن، به کاخ سفید رفت و طی دو روز مذاکره با مقامهای آمریکایی کوشید نظر مثبت آنان و بویژه شخص باراک اوباما را جلب کند. بهانه عادل الجبیر، قدرت گرفتن ایران در منطقه و افزایش نفوذ آن در یمن بود. اوباما خیلی زود به وزیر دفاعش دستور داد از عربستان در عملیات نظامی‌اش در یمن پشتیبانی کند. آمریکا در این مدت حمایت‌های اطلاعاتی خود از نیروهای ائتلاف عربی را با گروهی ۴۵ نفره از نیروهای نظامی‌اش در بحرین، عربستان و امارات، انجام داده است.» (New York Times, Marh13,2016)

نشریه آمریکایی «فارین پالیسی» درباره مشارکت آمریکا در جنگ یمن می‌نویسد: «بخشی از انتقاد نهادهای حقوق بشری از عربستان باید متوجه واشنگتن باشد؛ زیرا بدون حضور هواپیماهای سوخت‌رسان نیروی هوایی آمریکا و نیز بدون فروش جنگ‌افزارهای آمریکایی به عربستان و همپیمانانش، حمله نظامی به یمن امکانپذیر نمی‌شد. بمبهای خوشه‌ای عمل نکرده در زمینهای کشاورزی و روستاهای یمن، روز به روز افزایش می‌یابد و به یادگارهایی از حمله‌های هوایی عربستان و نقش ایالات متحده در آنها تبدیل می‌شود...» آمریکا دو هفته پس از آغاز تجاوز هوایی به یمن از آن پشتیبانی کرد و از آن زمان تا ۱۳ نوامبر (۲۲ آبان ۹۴)، ۱۳ هواپیمای سوخت‌رسان ایالات متحده ۴۷۱ پرواز انجام داده و با انتقال ۱۷ میلیون لیتر سوخت، به ۲

● شماری از تحلیلگران، دگرگونیها در دربار سعودی را علت اصلی حمله عربستان به یمن می‌دانند. از این دیدگاه، جناح تازه به قدرت رسیده در عربستان می‌خواسته است از جنگ یمن و پیروزی در آن برای تثبیت جایگاه خود و کنار زدن شاهزادگان مدعی بهره گیرد. از دید ملک سلمان، اگر فرزندش محمد بن سلمان - وزیر دفاع و جانشین ولیعهد - بتواند در جنگ یمن پیروز و بعنوان یک جنگاور معرفی شود، می‌تواند وجهه خود را در میان آل سعود و شهروندان عربستان بهتر کند و «محمد بن نایف» ولیعهد را کنار زند و انتقال سیاسی در عربستان به آرامی انجام گیرد.

● در بیشتر تحلیلها درباره هدفهای عربستان از دست زدن به جنگ در یمن، یک نکته کلیدی نهفته است و آن اینکه دولتمردان عربستان و جناح تازه به قدرت رسیده، برای کنار گذاشتن ایران از همه معادلات برنامه‌ریزی کرده‌اند. برپایه این تحلیل، ایران در چهار پایتخت اصلی منطقه یعنی بیروت، دمشق، بغداد و صنعا دست بالا را دارد و از همین رو باید هرچه زودتر اقدامی صورت گیرد تا از گسترش بیشتر نفوذ ایران جلوگیری شود.

جدا از این تحلیلها که همگی به نقش پشت پرده آمریکا در جنگ یمن اشاره دارد، نیروی دریایی آمریکا به دستور اوباما در اکتبر سال گذشته میلادی (۲۰۱۶) در حمله مستقیم نظامی به یمن، سه سایت راداری جنبش انصارالله را نابود کرد. این حمله با این توجیه انجام شد که انصارالله یکی از ناوشکنهای آمریکا را هدف قرار داده است. (BBC, 13 October, 2016) این درحالی بود که آمریکا سندی برای اثبات ادعای خود مطرح نکرد و انصارالله نیز با رد هرگونه دست داشتن در حمله به ناوشکنهای آمریکایی اعلام کرد: «آماده است با هر طرف بین‌المللی، برای تحقیق درباره جزئیات این ادعا و مجازات عاملان آن همکاری کند». (The wall Street journal, october 13,2016)

عربستان بازنده اصلی در جنگ یمن

در دو سالگی جنگ یمن به جرأت می‌توان گفت که عربستان در رسیدن به هدفهای اعلام شده و اجرای برنامه خود در جنگ یمن غیر از تسلط بر عدن و باب‌المنذب شکست خورده است. به دلایلی چند، می‌توان جنگ یمن را تا کنون به فهرست ناکامیهای سیاست خارجی منطقه‌ای عربستان افزود:

۱. برخی کارشناسان، در نخستین ارزیابیها بر آن بودند که به علت نابرابری انکارناشدنی توان نیروهای

هزار و ۴۴۳ پرواز جنگنده‌های ائتلاف سوخت‌رسانی کرده‌اند. جنگنده‌های بیشتر آمریکایی ائتلاف نیز بمبهای بیشتر آمریکایی را بر سر یمن ریخته‌اند. این روند، به تازگی با یک قرارداد یک میلیارد و ۲۹۰ میلیون دلاری برای فروش جنگ‌افزارهای تازه آمریکایی به عربستان، تمدید شده است. این قرارداد، شامل فروش ۲۲ هزار بمب است که هزار بمب از نوع لیزری است». (Foreign Policy, November 23,2015)

پایگاه تحلیلی «گلوبال ریسرچ» در گزارشی با عنوان «جنگ در یمن؛ گشوده شدن جبهه‌ای تازه در برابر ایران» به نقش آمریکا در جنگ یمن پرداخته و می‌نویسد: «اشتباه نکنید جنگ در یمن، جنگ واشنگتن نیز هست. آمریکا نقش مهمی در حصول اتفاق نظر میان اعضای شورای همکاری خلیج فارس درباره یمن بازی کرده است و شاید بتوان گفت برخلاف تصور جامعه بین‌المللی، واشنگتن سکان هدایت این نبرد را از راه دور در دست دارد». (Global Research, March 29, 2015)

روزنامه «واشنگتن پست» در سر مقاله خود به ترامپ سفارش کرده است خود را یکسره از باتلاق یمن که میراث اوباما است دور نگهدارد: «یکی از گرفتاریهایی که دولت (دونالد) ترامپ در خاورمیانه از اوباما به ارث می‌برد، مشارکت ایالات متحده در مداخله خونبار و بیهوده عربستان در یمن است. این پادشاهی زیر فشار جانشین ۳۱ ساله و جاه‌طلب ولیعهد، در سال ۲۰۱۵ به جنگ داخلی یمن پا گذاشته و از آن زمان شماری از بیرحمانه‌ترین حملاتی را که در خاورمیانه جنگ زده صورت گرفته، مرتکب شده و در این راه از پشتیبانی چشمگیر آمریکا برخوردار بوده است. ممکن است ترامپ دولت خود را به سمت حمایت کامل از حملات عربستان سوق دهد. اگر چنین شود، دولت وارد یک باتلاق خواهد شد». (Washington Post, January 5, 2017)

برخی کشورهای فقیر به یمن آورده شده‌اند نیز چاره‌ساز نبوده‌اند و نیروهای زیر فرمان عربستان در جنگ زمینی، با همه تلفات سنگینی که متحمل شده‌اند نتوانسته‌اند تسلط کامل خود را بر هیچ یک از مناطق مورد ادعا حتی شهر عدن پایتخت خودخوانده منصور هادی برقرار کنند.

۳. حمله به یمن، چنان‌که دولتمردان سعودی ادعا کرده‌اند، با هدف نابودی حوثی‌ها و تأمین امنیت مرزهای جنوبی عربستان با یمن صورت گرفته است، اما عربستان نه تنها نتوانسته انصارالله را در یمن شکست دهد، بلکه امنیت استانهای مرزی نجران، جیزان و عسیر خود را نیز به خطر انداخته و این استانها بارها هدف موشک‌های یمنی‌ها قرار گرفته و نیروهای جنبش انصارالله بارها با کمین در مناطق مرزی آسیبهای چشمگیر به نیروهای سعودی زده‌اند. برپایه برخی گزارشها، موشکهای یمنی حتی در ۴۰ کیلومتری ریاض پایتخت عربستان فرود آمده است. (Press TV, Feb 6, 2017)

۴. رهبران عربستان سالها زیر پوشش خادمان اماکن مقدسه و خیرخواه امت اسلامی می‌کوشیدند آبرویی برای خود دست و پا کنند؛ ولی با آغشته شدن دستشان به خون هزاران زن و کودک یمنی، نه تنها این وجهه دروغین از میان رفته، بلکه کار به جایی رسیده است که سازمانهای غربی مدافع حقوق بشر نیز سعودیها را به ارتکاب جنایات جنگی در یمن متهم می‌کنند و به آمریکا، انگلیس و فرانسه به‌علت فروش جنگ‌افزار به رژیم سعودی می‌تازند. (Amnesty International, 26 August, 2016)

۵. شکست عربستان در جنگ یمن نتیجه راهبردی دیگری نیز دارد و آن از میان رفتن پرستیژ و وجهه عربستان در منطقه و جهان عرب است، بعد از این کشورهای عربی با حزم و احتیاط بیشتری درباره برنامه‌های ریاض در منطقه برخورد خواهند کرد و سرنوشت خود را به دست دولت عربستان نخواهند

درگیر و بودجه‌های کلانی که عربستان در دهه‌های گذشته صرف افزایش توان نظامی خود کرده است، جنگ با یک گروه شبه‌نظامی و نابودی آن کار سختی نخواهد بود؛ اما برخلاف انتظار، این جنگ نه چند روز که بیش از دو سال به درازا کشیده و مهمترین هدفهای عربستان در این جنگ، از جمله بازگرداندن قدرت به منصور هادی و نابودی انصارالله محقق نشده است. (Khairuldeen Makhzoomi, 2015) تجاوز نظامی ثروتمندترین کشور منطقه و جهان اسلام که سالانه میلیاردها دلار صرف خرید جنگ‌افزار و افزایش توان نظامی خود می‌کند (Reuters, April 12, 2015) به تهدیدست‌ترین کشور خاورمیانه عربی و سپس روبه‌رو شدن با شکست سنگین در این جنگ نابرابر، همگان را به این واقعیت رسانده است که عربستان جز فروش نفت و خرید جنگ‌افزار و انبار کردن آن، هنر دیگری ندارد و با اینهمه جنگ‌افزارهای پیشرفته حتی نمی‌تواند از پس یک کشور تهیدست و ضعیف برآید. به سخن دیگر، این جنگ ناتوانی نظامی عربستان را بر همگان آشکار کرده است.

۲. عربستان در جنگ زمینی نیز ناکام بوده و نیروهای ائتلاف و حتی مزدورانی که از سودان و

● در بیشتر مقاله‌ها و گزارشهای منتشر شده درباره جنگ یمن در این دو سال و ارزیابیهای صورت گرفته، یکی از نگرانیهای اصلی عربستان، یعنی معضل ژئوپلیتیکی آن کشور نادیده گرفته شده است. عربستان دچار یک تنگنای ژئوپلیتیکی است که یمن می‌تواند آنرا از میان ببرد. عربستان از یک سو با خلیج فارس و از سوی دیگر با دریای سرخ مرتبط است، اما استفاده از این آبراهها مستلزم گذشتن از تنگه هرمز و باب‌المندب است. از آن‌رو که ایران بر تنگه هرمز اشراف دارد و یمن بر باب‌المندب، عربستان همواره از آسیب‌پذیری خود نگران بوده است.

● به نظر می‌رسد عربستان در سالهای اخیر به این نتیجه رسیده که تسلط بر سراسر یمن لقمه‌ای گلوگیر است. از این رو راهبرد خود را بر پایه تجزیه یمن در گام نخست و تسلط بر شهر عدن، خلیج عدن و باب‌المندب در گام دوم گذاشته است. فارین پالیسی در گزارشی می‌نویسد: همه طرفهای درگیر باید به نصیحت ملک عبدالعزیز، بنیانگذار عربستان پیش از مرگش در سال ۱۹۵۳ میلادی برسند که گفته بود: «اجازه ندهید یمن متحد شود.»

که چه جنگ را ادامه دهد و چه راهکار سیاسی را بپذیرد، نتیجه‌ای جز شکست و از دست رفتن اعتبارش نخواهد یافت. یمن باتلاقی شده است که عربستان هر لحظه بیشتر در آن فرو می‌رود. واشنگتن‌پست در این زمینه می‌نویسد: «یمن یکبار پیش از این ویتنام مصر بوده است. حملات هوایی ائتلاف به رهبری عربستان به یمن، آتش جنگی را که پیش از این در رده داخلی طبقه‌بندی می‌شد دامنه‌های منطقه‌ای بخشیده است. در دهه ۱۹۶۰، مصر به باتلاق نبردی طولانی و پر هزینه در یمن افتاد و دهها هزار سرباز مصری که به یمن فرستاده شده بودند، ناگاه خود را در خط مقدم جنگی داخلی یافتند. پس از جنگ در سال ۱۹۷۰، نظام جمهوری در یمن پایدار ماند، ولی مصر بهای بسیار هنگفتی پرداخت: بیش از ۱۰ هزار سرباز مصری کشته شدند. این درگیری، ویتنام مصر نام گرفت و از عللی بود که مصر در سال ۱۹۶۷، در جنگ شش روزه، متحمل شکستی سنگین از اسرائیل شد. اکنون این داستان می‌تواند بیش از مصر، برای عربستان که دست به عملیات «توفان قاطع» زده است، درخور تأمل باشد. در تاریخ یمن، ماجراجویی بیگانگان، کمتر چنان‌که برنامه‌ریزی شده بوده، پیش رفته است» (Washington Post, Nov 13, 2015)

سپرد و چه بسا مخالفها نیز با عربستان در سطح منطقه بیشتر شود چرا که یمن تبدیل به الگویی برای سایر ملتهای عرب در مقابل ادعای پدرخواندگی عربستان خواهد شد.

۶. بسیاری از تحلیلگران کسری بودجه سنگین عربستان (Independent, 22 December, 2016) را نیز از علل شکست ریاض در یمن و طولانی شدن جنگ می‌دانند. نشنال ایترست در این باره می‌نویسد: «مداخله عربستان در یمن دارد منابع مالی عربستان را می‌مکد. تهران به... ریاض که با استفاده از منابع خود و آسیب زدن به اعتبار و ائتلافهایش، می‌پندارد در حال رویارویی با ایران است، پوزخند می‌زند.» (National Interest, October 18, 2016)

نتیجه‌گیری

بیش از دو سال از جنگ یمن می‌گذرد و هنوز چشم‌انداز روشنی برای پایان جنگ وجود ندارد. عربستان در دو سال گذشته تنها توانسته است نیروهای هوادار خود را در عدن مستقر کند. گسترش تحرکات القاعده در جنوب یمن، بی‌بهره بودن «منصور هادی» از پایگاه مردمی و اختلافهایی که میان هواداران وی، فدرالیستها و تجزیه‌طلبان وجود دارد، آینده امیدوارکننده‌ای از بسط تسلط منصور هادی بر سراسر یمن پیش چشم نمی‌آورد. ناکارآمدی نیروهای زمینی عربستان در دو سال گذشته بر همگان ثابت شده است؛ سعودیها توان تشکیل یک جبهه مردمی در جنوب را به دلایل گفته شده و وجود اختلاف شدید میان گروههای درگیر ندارند؛ فشار بر منابع مالی عربستان، در سایه کاهش بهای نفت، ادامه دادن جنگ را دشوار می‌سازد؛ پذیرش راهکار سیاسی نیز با کنار گذاشتن بازیگر نیرومندی چون انصارالله، ناممکن است. به‌همین دلایل، یمن معمایی برای عربستان شده است

Decisive-Storm-strikes-on-Houthi-targets-successful-

html

- Mahdi Darius Nazemroaya, (2015) "The Geopolitics Behind the War in Yemen: The Start of a New Front against Iran" **Global Research**, (March 29)

at :http://www.globalresearch.ca/the-geopolitics-behind-the-war-in-yemen-the-start-of-a-new-front-against-iran/5439431

- Hugh Naylor, (2015) "Yemen is turning into Saudi Arabia's Vietnam", **Washington Post**, (November 13) at:https:// www. washingtonpost. com/ world/ middle_ east/ saudi- arabia- cant- find- its- way- out- of- yemens- messy-war/2015/11/12

- Jansen Michael, (2015) "Why is Saudi Arabia bombing Yemen?", **The Irish Times**, (11 April)

at :http://www.irishtimes.com/news/world/middle-east/why-is-saudi-arabia-bombing-yemen-1.2172101

- Dina Esfandiary ,Ariane Tabatabai (2016)," Saudi Arabia Cares more about Iran than Iran does about Saudi Arabia", **National Interest**, (October 18), at:http:// nationalinterest. org/ feature/ saudi- arabia- cares- more- about- iran- iran-does- about- saudi- 18091?page=2

- Simon Henderson, (2016) "How to End Saudi Arabia's War of Paranoia", **Foreign Policy**, (October 20) at :http:// foreignpolicy. com/ 2016/10/20/ two-yemens-are-better-than-one-saudi-houthi-iran/

-The Economist, (2015) "The test for a new monarchy" , (4 April) at : http://www.economist.com/news/middle-east-and-africa/21647672-king-salman-goes-swiftly-war-will-find-it-hard-end-it-test

"President Obama at West Point: Watch the Speech, Read the Transcript", **Foreign Policy** (May 28, 2014)

منابع

- تهمورثی، اسماعیل (۱۳۹۴)، «بررسی تجاوز عربستان به یمن از منظر حقوق بین الملل»، اندیشکده تبیین، (۲۳ اردیبهشت) - جعفری ولدانی، اصغر (۱۳۸۸)، «عربستان، رویای تسلط بر یمن»، رهیافت های سیاسی بین المللی.

- عمادی، سید رضی (۱۳۹۴) «فدرالی شدن یمن؛ مواضع بازیگران و پیامدها»، اندیشکده تبیین - قانون اساسی یمن، در

http://www. aproarab. org/modules.php? name= Qanoon & get= Yeme

- نصرالله، سید حسن (۱۳۹۴) «می گویند ایران یمن را اشغال کرده؛ این بزرگترین دروغ است / ایران در قلب ملت های عراق و یمن است»، وبسایت مشرق (۸ فروردین)

- هانتر، شیرین (۱۳۹۴)، «هراس سعودیها از حکومت مستقل در یمن / اهداف تشکیل ارتش مشترک عربی» خبرگزاری مهر (۱۵ فروردین)

-Thomas W. Lippman, (2016) "Can Saudi Arabia Escape the Trap of Endless War in Yemen?", **National Interest**, :http:// nationalinterest. org/ feature/ can-saudi- arabia- escape- the-trap-endless- available at August 25 war-yemen-17477?page=show

-"Security Council Demands End to Yemen Violence, Adopting Resolution 2216 (2015), with Russian Federation Abstaining" available at :https:// www. un. org/ press/ en/ 2015/ sc11859.doc.htm

-"U.N. experts warn Saudi-led coalition allies over war crimes in Yemen", Reuters, (Jan 29,2017 at http:// www. reuters. com/ article/ us-yemen- security- un-iduskbn 15 dosb

- "Decisive Storm: strikes on Houthi targets successful", **Al Arabiya News**, (26 March 2015), at :https:// english.alarabiya.net/en/News/middle-east/2015/03/2 /

reuters. com/ article/ us- yemen- security- saudi- spending-id uskbnon30 wv 20150412

- Khairuldeen Makhzoomi, (2015) "The Failure of Saudi Intervention in Yemen", **Huffington Post**, (December, 11)

[at : http:// www. huffingtonpost. com/ khairuldeen- al- makhzoomi/ the- failure- of- saudi- intervention- in- yemen_b_8469744.html](http://www.huffingtonpost.com/khairuldeen-al-makhzoomi/the-failure-of-saudi-intervention-in-yemen_b_8469744.html)

- "Ballistic missile attack reported in Saudi capital: Yemeni media", (Feb 6, 2017) at: [http:// www. presstv. ir/ Detail/ 2017/02/06/509301/ yemen- saudi- arabia- riyadh- ballistic-missile](http://www.presstv.ir/Detail/2017/02/06/509301/yemen-saudi-arabia-riyadh-ballistic-missile)

- "Yemen's horror exposes the deadly hypocrisy of arms exporters like the UK and the USA", **Amnesty International**, (26 August 2016) [at : https:// www. amnesty. org/en/latest/news /2016/08/ yemens- horror- exposes- the-deadly- hypocrisy- of- arms- exporters- including- britain-and-the-u/](https://www.amnesty.org/en/latest/news/2016/08/yemens-horror-exposes-the-deadly-hypocrisy-of-arms-exporters-including-britain-and-the-u/)

- "Saudi Arabia projects \$53bn budget deficit for 2017 as the kingdom moves away from oil", the **Independent**, (22 December 2016) [at : http:// www. independent. co. uk/ news/ business/ news/ saudi- arabia- budget- deficit- 53- billion-kingdom- oil- production- dependent- opec-a 7490916. html](http://www.independent.co.uk/news/business/news/saudi-arabia-budget-deficit-53-billion-kingdom-oil-production-dependent-opeca-7490916.html)

- "UNICEF: One child dies every 10 minutes in Yemen", **Aljazeera**, (13 December 2016), [at : http:// www. aljazeera. com/ news/ 2016/12/ unicef- child- dies- 10-minutes- yemen-161212192354606.html](http://www.aljazeera.com/news/2016/12/unicef-child-dies-10-minutes-yemen-161212192354606.html)

[.at : http:// foreignpolicy. com/ 2014/05/28/ president- obama- at-west-point- watch- the- speech- read-the- transcript/](http://foreignpolicy.com/2014/05/28/president-obama-at-west-point-watch-the-speech-read-the-transcript/)

- Mark Mazzete, Eric Schnitt (2016), "Quiet Support for Saudis Entangles U.S. in Yemen", **New York Times**. (March 13)

[at: https:// www. nytimes. com/ 2016/03/14/ world/ middleeast/ yemen- saudi- us.html](https://www.nytimes.com/2016/03/14/world/middleeast/yemen-saudi-us.html)

- Paul McLeary, (2015) "In Yemen, a Saudi War Fought With U.S. Help", **Foreign Policy**, (November 23) [at :](http://foreignpolicy.com/2015/11/23/in-yemen-saudi-war-fought-with-u-s-help/)

[http:// foreignpolicy. com/ 2015/ 11/23/ in- yemen- a- saudi- war-fought- with- u-s-help/](http://foreignpolicy.com/2015/11/23/in-yemen-saudi-war-fought-with-u-s-help/)

- "The United States' bloody alliance with Saudi Arabia" **Washington Post**, (January 5, 2017), [at : https:// www. Washingtonpost. com/ opinions/ global- opinions/ the- united- states- bloody- alliance- with- saudi-arabia/ 2017/01/05/ ec1b0a1 e-cd1a-11 e6- a87f-b917067331bb _story. html? utm_ term =.1e31dc85434e](https://www.washingtonpost.com/opinions/global-opinions/the-united-states-bloody-alliance-with-saudi-arabia/2017/01/05/ec1b0a1e-cd1a-11e6-a87f-b917067331bb_story.html?utm_term=.1e31dc85434e)

- "Houthi Rebels in Yemen Condemn U.S. Attack on Radar Sites", **The Wall Street Journal**, (Oct 13, 2016)

[available at : https://www.wsj.com/articles /houthi- rebels-in-yemen-condemn-u-s-attack-on-radar-sites- 1476374672](https://www.wsj.com/articles/houthi-rebels-in-yemen-condemn-u-s-attack-on-radar-sites-1476374672)

- "Yemen conflict: US strikes radar sites after missile attack on ship", BBC, (2016) (13 October) [at : http:// www. bbc. com/ news/ world- middle- east- 37639565](http://www.bbc.com/news/world-middle-east-37639565)

- "Saudi military spending rose 17 percent in 2014: study", **Reuters** (April 12, 2015) [at : http:// www.](http://www.)